

بخشنامه قانونی، اما نابهنگام افشای حسابهای بانکی

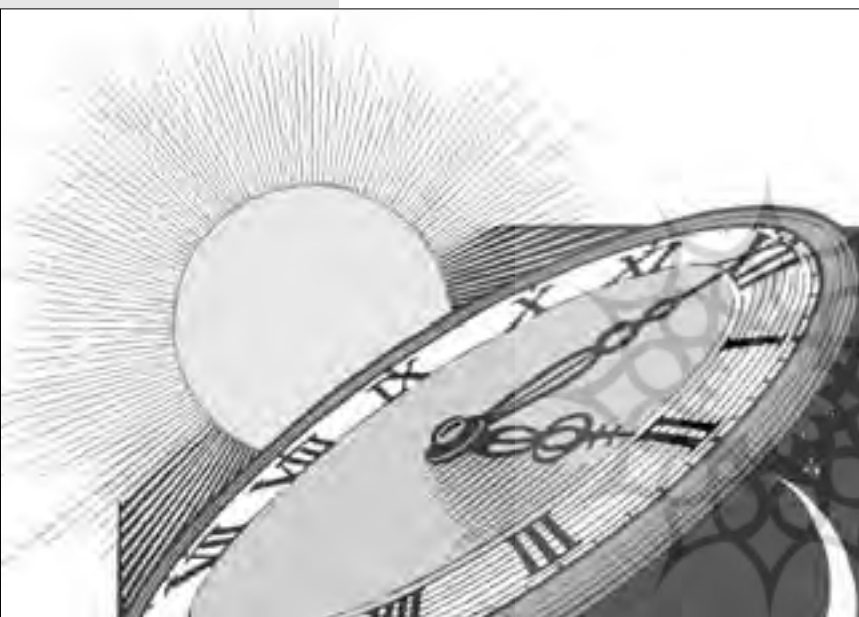
جهانبخش نوری

اشاره

در هنگامه تقابل بازار با دولت بر سر اجرا یا عدم اجرا یا تعویق یا تعلیق قانون مالیات بر ارزش افزوده که می‌رفت تا پیامدهای شگفت‌انگیزی داشته باشد، ناگهان بخشنامه‌ای از سوی سازمان امور مالیاتی خطاب به بانک‌های کشور صادر شد که می‌توانست "آنچنان را آنچنان‌تر" کند، و اگر واکنش سریع دولت و مقامات بانکی و مالیاتی برای بلا اثر کردن این بخشنامه نبود، امروز شاهد رویدادهای دیگری بودیم.

جهانبخش نوری، حقوقدان و عضو انجمن مدیران و متخصصان صنعتی و اقتصادی ایران، در همان گیرودار مطلبی را در روزنامه دنیای اقتصاد به چاپ رساند که می‌تواند در تحلیل حقوقی موضوع و تبیین مناسبات سیستم بانکی با نظام مالیاتی کشور مفید باشد.

بانک و اقتصاد



تأیید "بخشنامه سازمان امور مالیاتی مناسب نبود.

(۱) ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده به روشنی می‌گوید: «کلیه بانک‌ها، موسسات و تعاونی‌های اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه و صندوق تعاون مکلفند صرفاً اطلاعات و اسناد لازم مربوط به درآمد مودیان را که در امر تشخیص و وصول مالیات مورد استفاده می‌باشد، حسب درخواست رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور، به سازمان مزبور اعلام نمایند. اشخاص مزبور در صورت عدم ارایه اطلاعات و اسناد مذکور، مسوول جبران زیان وارده به دولت خواهند بود.»

(۲) متن بخشنامه و نص قانون را اگر جلوی هر آدم با حوصله بگذاریم، بعید است بتواند مبنا و توجیه قانونی بخشنامه را انکار کند. ارتباط قانون و بخشنامه با مودیان بد حساب و گریز یا هم روشن است. می‌شود رد خرید و فروشی را که ثبت نشده و مالیات بر ارزش افزوده‌اش پرداخت نشده، در گزارش عملیات بانکی و وجوهی که احتمالاً خریدار بابت معامله ثبت نشده به حساب مودی گریز یا ریخته، پیدا کرد. با این وصف، صادرکننده بخشنامه به وظیفه قانونی‌اش عمل کرده و هیچ تقصیر و خلاقی از او سر نزده است، تنها گناهش این است که متوجه نشده یا دیر متوجه

چند روزی است که برداشت‌های شتابزده از یک بخشنامه سازمان امور مالیاتی، زمینه را برای غیرقانونی خواندن آن و فراموش کردن اصل قضیه و در مواردی یک کلاغ را چهل کلاغ کردن فراهم آورده است.

سازمان امور مالیاتی بخشنامه‌ای به بانک‌ها فرستاده که سر و ته آن این است: پیرو بخشنامه شماره ۱/۸۲/۰۷/۶۳۲ مورخ ۸۲/۱۱/۱۸ بدین وسیله مستفاد از قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۸۷ قسمت "توجه" بند ۸ بخشنامه صدرالاشاره به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: «بانک مکلف است صرفاً اطلاعات و اسناد لازم مربوط به مودیان مالیاتی را که در امر تشخیص و وصول مطالبات مورد استفاده می‌باشد، حسب درخواست رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور، به سازمان مزبور اعلام نماید. در صورت عدم ارایه اطلاعات و اسناد مذکور، بانک مسوول جبران زیان وارده به دولت خواهد بود.»

به دلایلی که در زیر عرض می‌کنم، این بخشنامه قانونی است:



واکنش بازار، قاطع و تمام کننده بود.

شده که تعدادی کرکره علیه "مالیات بر ارزش افزوده" در مملکت پایین کشیده شده و حتی بعد از روبوسی دولت و کسبه محترم، بر هر آدم عاقلی فرض است که فعلا در ارتباط با مالیات بر ارزش افزوده حرفی نزنند که باز باعث دلخوری شود و عده‌ای تهدید کنند که دار و ندارشان را برمی‌دارند و به دویی کوچ می‌کنند. به این ترتیب به قول مجریان برنامه‌های تلویزیونی، "تایمینگ" بخشنامه سازمان امور مالیاتی مناسب نبود و یک حرف حق از - بخت بد- در زمانی نامناسب زده شد.

۳) روشن است که دسترسی بی‌قید و شرط به حساب‌های بانکی مردم، مایه نگرانی است و نه تنها بازرگان و صنعتگر و کاسب ممکن است دچار بی‌خوابی شوند، پیرزن و بیوه زن یک لاقبا هم دوست ندارند از چند و چون پول مختصری که در گذشته توی بالش و تشک قایم می‌کردند و حالا در بانک است، کسی خبردار شود و توقع بی‌جا پیدا کند، اما از محرمانه بودن حساب‌های بانکی هم نمی‌شود یک پدیده مطلق ساخت و دچار این پندار شد که برای اولین بار است که می‌خواهند به داخل حساب‌های بانکی مردم سر بکشند. در قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مبارزه با پولشویی، مجاز بودن دسترسی دولت به جزئیات حساب‌های بانکی، پیش بینی شده و مطابق تبصره ماده ۲۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم «در مورد بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری غیربانکی، سازمان امور مالیاتی کشور اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی را از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی مطالبه خواهد کرد و بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری غیربانکی موظفند حسب نظر وزیر امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند.» (قبل از اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۸۰، اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی باید از طریق دادستان کل کشور مطالبه می‌شد).

شورای عالی مبارزه با پولشویی هم قانونا می‌تواند در موارد مشکوک، درباره فعل و انفعالات بانکی اشخاص مظنون تحقیق کند و به حکم ماده ۵ قانون مبارزه با پولشویی، بانک‌ها مکلف‌اند آیین‌نامه‌های شورای عالی را مو به مو اجرا کنند. دادسراها و دادگاه‌ها هم از دیر باز - الی ماشاءالله- در ارتباط با انواع جرایم مالی، مشغول زیر و رو کردن پرینت‌های کامپیوتری حساب‌های بانکی هستند.

۴) می‌توان ایراد گرفت که: آنچه گفته، اصولا مربوط به بزهکاران و خلافکاران است و بقیه ملت به چه دلیل باید در معرض دخالت‌های ناروا قرار گیرند و دلشوره پیدا کنند؟ نکته درستی است و "حرف حساب، جواب ندارد." مشکل اما به نحوه تحریر ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده برمی‌گردد که به نظر می‌رسد با الهام از ماده ۲۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم، با یک بیان کلی این تصور را به وجود آورده که بدون وجود مظنون و متهم نیز سازمان امور مالیاتی می‌تواند به اسرار مالی و تجاری مردم، هر وقت که خواست، دست پیدا کند. مسلما نه قانونگذار در پی این دخالت غیر قابل دفاع و قطعا زیانبار برای ملت و دولت بوده و نه قانون اساسی براساس اصل برائت اجازه باز کردن صندوقچه اسرار مردم را

می‌دهد و نه حتی سازمان امور مالیاتی با توجه به سابقه اجرای ماده ۲۳۱ پیش گفته، در پی چنین مزاحمتی است.

به گمان من، به جای برآشفستگی و فریاد و برای رفع شک، شایسته است پهلوانی به میدان بیاید و همین فردا با استناد به اصل ۷۳ قانون اساسی، از مجلس درباره ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و اینکه آیا بدون وجود دلایل مکفی دایر بر وقوع تخلف، می‌توان به طور عام اطلاعات حساب‌های بانکی مردم را در اختیار دولت قرار داد؟ سوال کند و استفساریه بخواهد. فکر می‌کنم این راه نزدیک‌تر و آرام‌تری برای حل مشکل و پایان دادن به نگرانی باشد.

اتاق ایران و نظام صنفی مملکت نیز که در جریان تصویب قانون در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی متوجه پیامدهای ماده ۳۰ نبودند و در اظهار نظر و دادن تذکر کوتاهی کردند، برای جبران مافات می‌توانند در این راه پیشگام شوند. دعای ما هم که هنوز سر بر بالشی می‌گذاریم که مرحوم پدر بزرگمان پول‌هایش را از ترس همسایه در آن پنهان می‌کرد، بدرقه راه آنان خواهد بود.